

نیمه پر لیوان رژیم! - مسئولیت همگانی ما

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

آیا شما هم این روزها به روندی توجه کرده اید که تلاش دارد تا فضای سیاسی را اقلا در بین اپوزیسیون اغلب در برون مرزهای ایران، تحت تاثیر تبعات موافقت نامه هسته ای رژیم و کشورهای موسوم به ۵+۱ درآورد. آیا متوجه رشد قارچی برنامه های اصلاح طلبان مخفی در پوشش اپوزیسیون و لانه کرده در رسانه های مشخص موسوم به "خط امام" قبلی شده اید. روندی که میگوید جز امید بستن به حرکات اصلاح طلبی در چهارچوب نظام اسلامی موجود، راه دیگری برای نیروهای اپوزیسیون رژیم باقی نمانده! همان روندی که مدام میگوید که نسل جدید ایرانی، اندیشه و مبارزات و تاریخچه جنبش سیاسی مادران و پدران خود را ننمیداند و مهم تر اینکه نمیخواهد بداند. آیا متوجه شده اید که نتیجه مستمر و تکراری مطالبی از این دست، همواره پرچم سفید دست گرفته و به عنوان دنباله روند سرکوب وزارت اطلاعات رژیم، این ها هم به کتک زدن مردم در داخل و آزار اپوزیسیون در برون مرز میپردازند. با هم سری به تشیئات این عالیجنابان باسمة ای و خط امامی های دیرآمده بزنیم.

نخست اینکه مطالب مندرج از این دست در توالی و همزمان با هجوم و حمله اطلاعاتی های داخلی علیه مبارزین دهه های ۵۰ و ۶۰ خورشیدی صورت میگیرد. دیگر اینکه، هردو سوی تلاش آن اربابان نشسته در داخل شبکه های اطلاعاتی رژیم و این نوکران شرمندۀ آنها برای گرفتن زهر ایام و سالگرد کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و بویژه سال ۶۷ است. آنکه میدانند و چنین تیشه برداشته و به ریشه نهال آزادی میزند، اما که به عقیده من و خیلی ها تبهکار است. به مجرد اینکه به نزدیکی های تابستان میرسیم و زمانی که هزاران داغدار اعدام های رژیم و خانواده و وابستگان قربانیان تروریسم دولتی و اسلامی آماده برگزاری مراسم یادبود میشوند، ناگهان بوق های تبلیغاتی رژیم از شرق و جمهوری اسلامی گرفته تا مهرنامه و خواهران و برادران، هجوم تحریفات خود را آغاز میکنند. سمت و سوی تبلیغی آنها به سوی خدشه دار نمودن هویت و اندیشه قربانیان رژیم است. آنها را تا مرز تروریست خواندن و جاسوسی و... میبرند، که نمک روی زخم دیرین یک ملت تاریخی و بویژه صدها هزار اعضا خانواده قربانیان خود میباشند.

روند مذکور با برنامه ریزی کامل به صحنه میآید. در برون و درون کشور اما که جدیداکار را دادند به دست مثلا "اپوزیسیون خودی". از آنجائیکه حنای امثال شریعتمداری ها و روزنامه هایی چون جمهوری اسلامی رنگی ندارد، پس مسئولیت این پروژه عظیم را روی دوش مامورین آشکار و مخفی خود واز جمله اپوزیسیون خودی (اصلاح طلب و خط اما قبلی) قرار داده اند. آنچه راکه در امثال مهرنامه و شرق قوچانی آمده را تاکنون در چند نوبت قلمی کرده ام ولی هم مسلکان و دو قلولوهای برون مرزی آنها از در دیگر وارد میشوند. ابتدا اینکه باید گذشته را در بست به گذشتگان سپرد! نباید حرفی از قربانیان سیستم شکنجه، چه در نظام قبلی و چه در رژیم بربریت فعلی باشد و هرکه غیر از این کند، بیخ زده در تاریخ حوادث، کهنه پرست و خارج از رده مطلوب آنهاست. دیگر

اینکه، خشونت دولتی هم فقط انعکاس خشونت همان قربانیان و اپوزیسیون بوده وهست. و سپس آنچه که بر سر هزاران سربۀ دار آمد، نتیجه مبارزات آزادی خواهانه آنها نبود، بلکه تنها پاسخ حکومتی به خشونت خود آنها بود و دست آخر اینکه باید ابتدا خشونت از سوی مردم متوقف شود تا دستگاه داغ و درفش و اطلاعاتی ها هم به کار دفتری خود بپردازند!

برخی که دوره دیده تر هستند، از در دیگر وارد میشوند و داستان همیشگی و تکراری خود را این بار به عنوان کشفیات تئوریک جا میزنند، مبنی بر اینکه همیشه باید نیمه پر لیوان را دید و نگاهی داشته باشیم به ثمرات سلطه تروریستی کلیتی بنام جمهوری اسلامی درباره کثرت دانشجویان دختر، پیشرفت های علمی کشور (علم کردن سانتری فیوژها) آبادانی سراسری (ویرانی سیستم آبرسانی، قحطی و بیکاری ۱۹ میلیون نفر شهروند مملکت) و همگانی و رشد درآمد سرانه مردم (۶۵ درصد مردم به عنوان رسمی و دولتی فقیر نامیده میشوند چرا که بیکار و یا درآمدشان زیر خط فقر است). خوب استدلال این عالیجنابان هم باید بر زمینه ای نیکو بارور شود. این زمینه و محل، جایی نیست جز فضای نتایج موافقت نامه هسته ای بین رژیم و ایالات متحده امریکاست. که مملکتی را طبق قرارداد رسمی و دو دستی تسلیم همان انحصارات و به ترجمه آیت اله "شیطان بزرگ" کرده اند ولی صدایش را در نمیآورند. میلیاردها دلار ثروت مردم از گلوی آنها بیرون کشیده و صرف علم کردن اسباب بازیهای اتمی شد و عاقبت با یک توسری ناچیز (تحریم ها و ملا به غلط کردن افتاده و علیرغم دادار دودور بسیار اما که دمی تکان داده اند و باز میگرددند سر جای اول خود، که همانا اعمال سرکوب سراسری و ادامه اعدام ها و همه هم از برکت امضای توافقنامه هسته ای است.

بی شک برخی از خوانندگان مطلب من شاهد میزگردهای تلویزیونی و مقالات مستمر و مشابهی شده اند که می گویند اپوزیسیون سالمند و با تجربه سیاسی داخل و برون از کشور از حال و هوای نسل نو و آمل و آرزوی این نسل جدید دور افتاده اند. این دروغی بی شرمانه است که میروند تا به اصلی خدشه ناپذیر تبدیل شود. ابتدا اینکه میگویند و مینویسند که نسل نو با زندگی در چهارچوب نظام بربریت متولد و رشد کرده و میدانند که چگونه با آنها کنار بیاید. که این نسل آرمان خواهی را دیوانگی مینامد و به دنبال همان اصلاحات مقدور و ممکن است و جز این هم آرزویی ندارد. از قدیم هم گفته اند که دروغ گو کم حافظه میشود. پس چه کسی جواب هجوم میلیونی جوانان ایرانی را برای فرار از جهنم بکن و نکن های نظام اسلامی میدهد. چرا صدها هزار آواره کوه و صحرا میشوند و طعمه موج های اقیانوس! چه کسی پاسخ خودسوزی های دختران و زنان لرستان و کهکیلویه و بویراحمد را میدهد. پاسخ گرسنگی بیکاری و مرگ تدریجی بلوچ ها را که میدهد. پاسخ حقوق عقب افتاده کارکنان شرکت حمل و نقل عمومی قزوین، کارگران اخراجی، معطلی پروژه های عسلیویه و... به گلوله بستن معدن چیان را. چه کسی پاسخ نسلی جدید را میدهد که با صد دهان فریاد میکند که مرگ بهتر از این زندگی است.

بیا بیاید یک روز هم به انسانیت خود بازگردید. ما میدانیم که ادعاهای مذکور صادره از دستگاه تبلیغاتی رژیم و پر قیچی های برون مرزی آنها از سوی طبقه مرفه یا متوسط بی غم و منتفع از حضور جمهوری اسلامی است، ولی همه موقعیت شما را ندارند. که مردم بیکار هستند، بیکار پنهان هجده میلیونی هستند برای یکروز هم که شده دست از زیر عباي خونین ملا بیرون بکشید، که

ما یخ زده نیستیم ، و تنها به انسانیت انسان ، آرمان زحمتکشان و نه جیب مفت خواران خونین دست وفادار مانده ایم. که خودفریبی میکنید و نیمه پر لیوان جمهوری اسلامی خون است و دختران اگر به هزار نوع دانشگاه پی دانش میروند و فقط برای فرار از بیکاری است که فارغ التحصیلان اغلب و پس از اتمام همان تحصیلات یا به فکر فرار از کشورند و یا طعمه افسردگی و یا باندهای جوراجور. این همه بدمستی دائر برنیمه پر لیوان صادره از شکم های پر شکم بارگان است وبدون سبقه و موجودیت اجتماعی که جمهوری اسلامی زندگی را از مردم گرفته ، مردمی که با دو شخصیت زندگی میکنند. آدمی که در جمع خانواده کس دیگری است و تقیه در اجتماع را آموخته است. آیا شما هم این روزهای متوجه کثرت مطالب و برنامه هایی این چنین که نوشتم شده اید؟ ما مسئولیت داریم که جدا مقابل این روند و حقه کثیف و ادادگان سیاسی بایستیم شما چگونه؟

